www.filmbuzz.ir

شرکت هیولاها

www.filmbuzz.ir

آینده‌ی شرکت
هیولاها بسیار
روشن است

ما قسمتی از زندگی شما هستیم.
ما انرژی ماشین هایتانرا
تامین می کنیم.

ما خانه‌هایتان را گرم می‌کنیم.
شهرتان را روشن می‌کنیم.

در حال حاضر سرگرم‌سازان بزرگ ما
خنده ایجاد می‌کنند و این خنده به
انرژی پاک و برگشت پذیر تبدیل می شود.

من استخدام شده‌ی
شرکت هیولاهام!

اما شرکت هیولاها،
در هر رقابتی پیروز است.

با توجه به تحقیقات اخیر،
متوجه شده‌ایم که خنده ده برابر بیشتر از
جیغ انرژی تولید می‌کند.

به دلیل کم شدن معصومیت
بچه‌های انسان ها. ترساندن آن‌ها
بسیار سخت شده است.

جمع آوری جیغ ها
روزبه‌روز سخت می‌شود.

www.filmbuzz.ir

ما
فردایی بهتر را
درست می‌کنیم!
امروز!

ما جزیی از شرکت
هیولاها هستیم!

MONSTERS, INC.
Going the Extra Mile

... تا آن ها را
بفرستیم.

فانکوس، من نمی‌دونم، مدیرعامل ها
با چه انگیزه‌ای فعالیت کنن وقتی لوگوی شرکت درست روی
صورتشون می‌افته؟
دوباره عکس گرفتن چقدر خرج برمیداره؟

نه نه،
مهم نیست.
همین طوری خوبه.

آه، چرا؟

آقای سالیوان!
نظرتون چیه؟

MONSTERS, INC.

Monster Fink

www.filmbuzz.ir

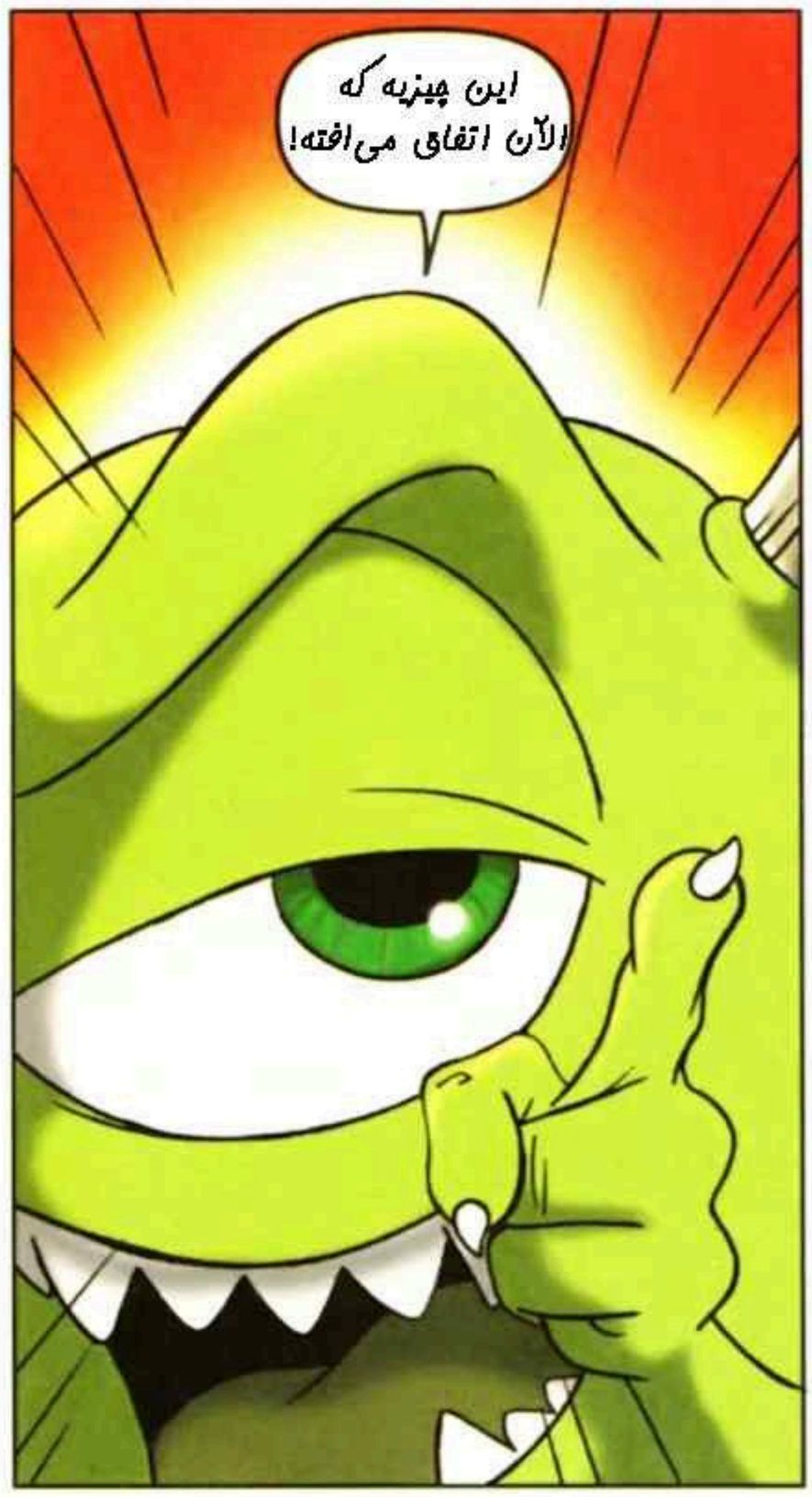

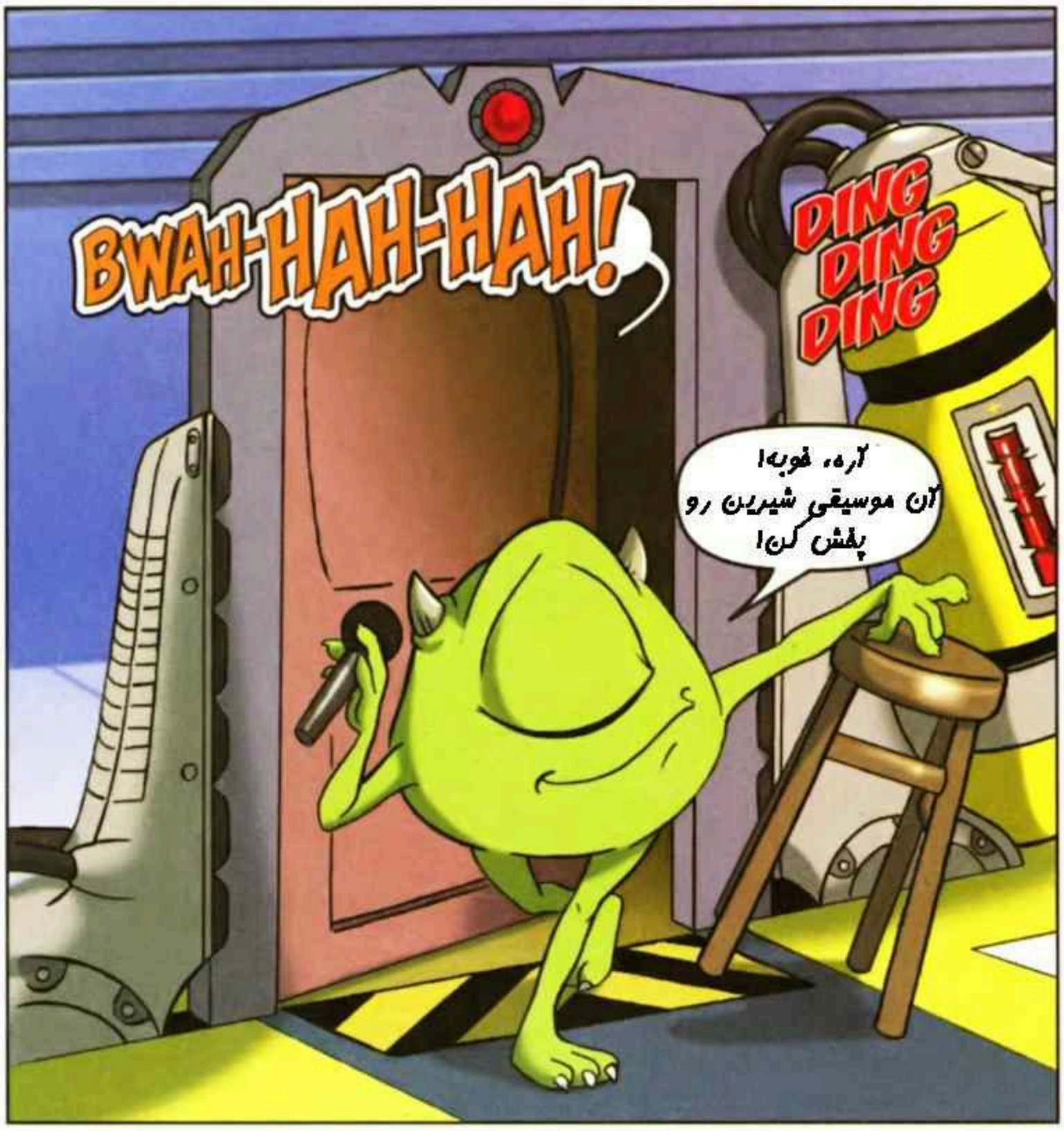

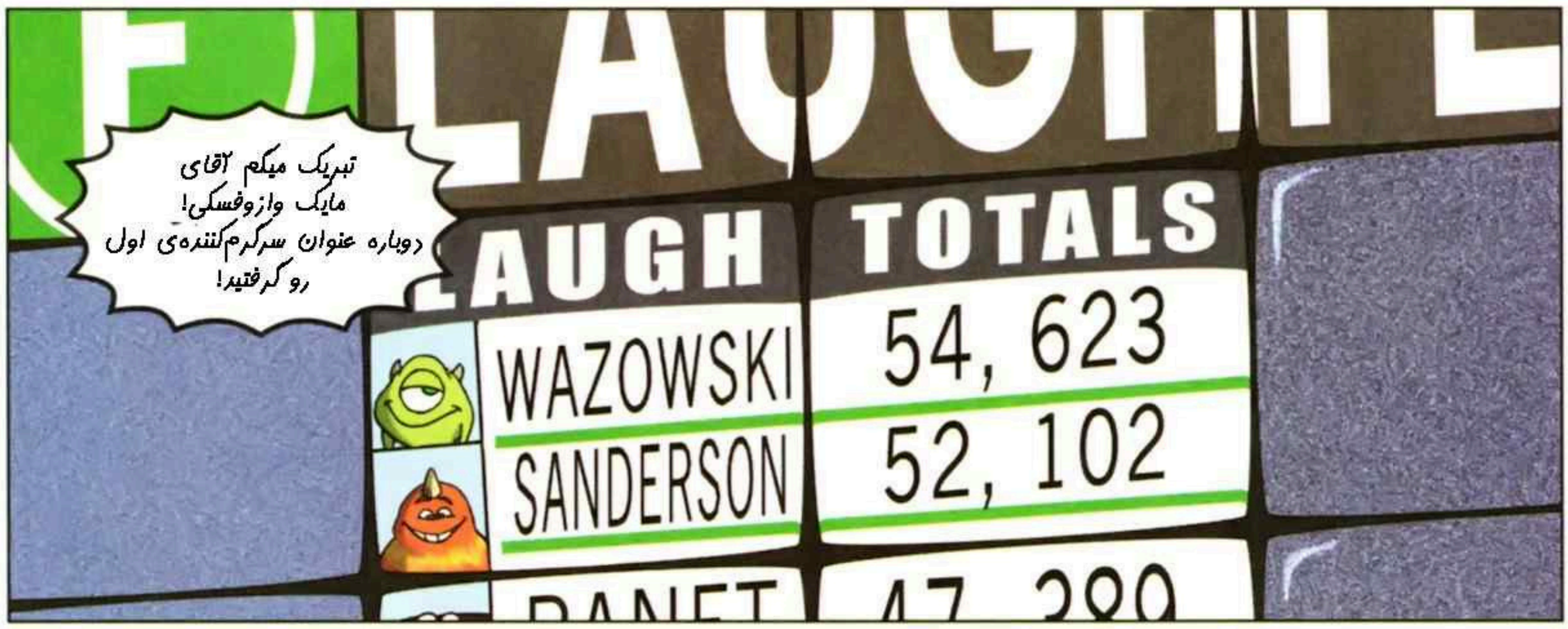

www.filmbuzz.ir

منظورم اینه که
تو داری زیادی اونو بزرگ
می‌کنی.

من نمیتونم اغراق نکنم
اگه... ناراحت باشم.
این یه مکانیزم دفاعیه!

درسته! همون طور
که گفتم این یه مکانیزم
بی ادبانه س!

اگه یه نفر سناریوی کمدی
منو برنداشته‌بود، تو عمرا اول می‌شدی،
وازوفسکی!

هووی!
جورج، انقد
پیازداغشو زیاد نکن.

اون یه کارگر بیچاره س
که ابزارشو گم میکنه.
این مشکل من نیست که شما
استعداد طبیعی کمدی کارکردن رو
ندارید.

تنها کاری که من
می کنم رفتن روی صندلیه.
که بچه ها وقتی روی تخت خوابیده ن
ببینن.

من هم
بهترین بالشمو
گم کردم!

مشکل اینه
که یه نفر بهترین
سناریوی کمدی منو
از توی کمدم برداشته!

جورج،
مشکل چیه؟

نگاه کن.
تو هیچ وقت نمیتونی
بامزه باشی وقتی اون
اخما رو صورتته!

فهمیدی؟
چون من کوتاهم؟

www.filmbuzz.ir

www.filmbuzz.ir

www.filmbuzz.ir

مایک وازوفسسسکی!!!!

یادت باشه.
هنوز اکثر هیولاها فک می کنن
آدما خطرناکن. وقتی کسی داشت
نزدیک میشد، ماسکتو بزن.

از اینجا
میریم.

آهان، آخرین.
خوبه بوو. این میتونه
-اووخ- کمک کنه!

واو.
بیشتر شبیه
این!

RAAR!

بیا بچه.
من میدونم تو
میتونی بهتر ازین باشی.

بعدش
چی میکی؟

؟!!!!!

www.filmbuzz.ir

www.filmbuzz.ir

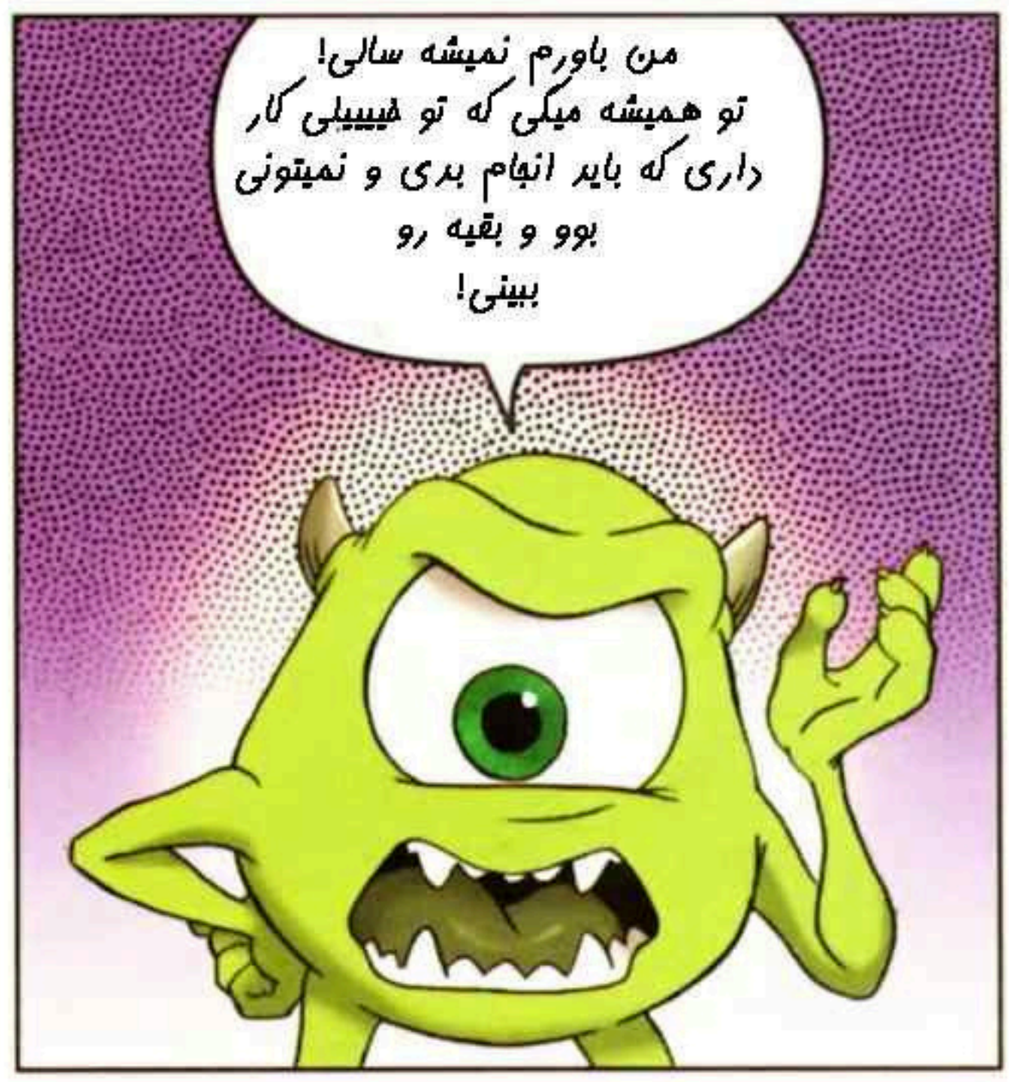

www.filmbuzz.ir

KA-FWOOM

!?

HEE HEE HEE! HAHHAHA!

اوه، نیشتو ببند بچه! اینجوری سیستمو به فنا میدی!

عاه... مایکی، وسایل گمشده‌ی بقیه ی سرگرمی سازا تو کمد تو چکار میکنه؟

جی گفتی؟ سالی؟!

OOH!

آهان! فهمیدم! فهمیدم! تو حسودی می‌کردی! تو میخواستی همه توجها به سمت تو جلب بشه ولی الآن باید بشینی یه‌گوشه و من رو ببینی که مرکز توجه ام. و نمیتونی تحمل کنی!

خودت میدونی، از زمانی که به جای واترنوس اومدی--

من به تو کم توجهی کرده م؟ کم برای خودخواهی هات وقت گذاشتم؟

چی مایک؟ از وقتی من مسوول شدم؟ چی؟

www.filmbuzz.ir

www.filmbuzz.ir

www.filmbuzz.ir

www.filmbuzz.ir

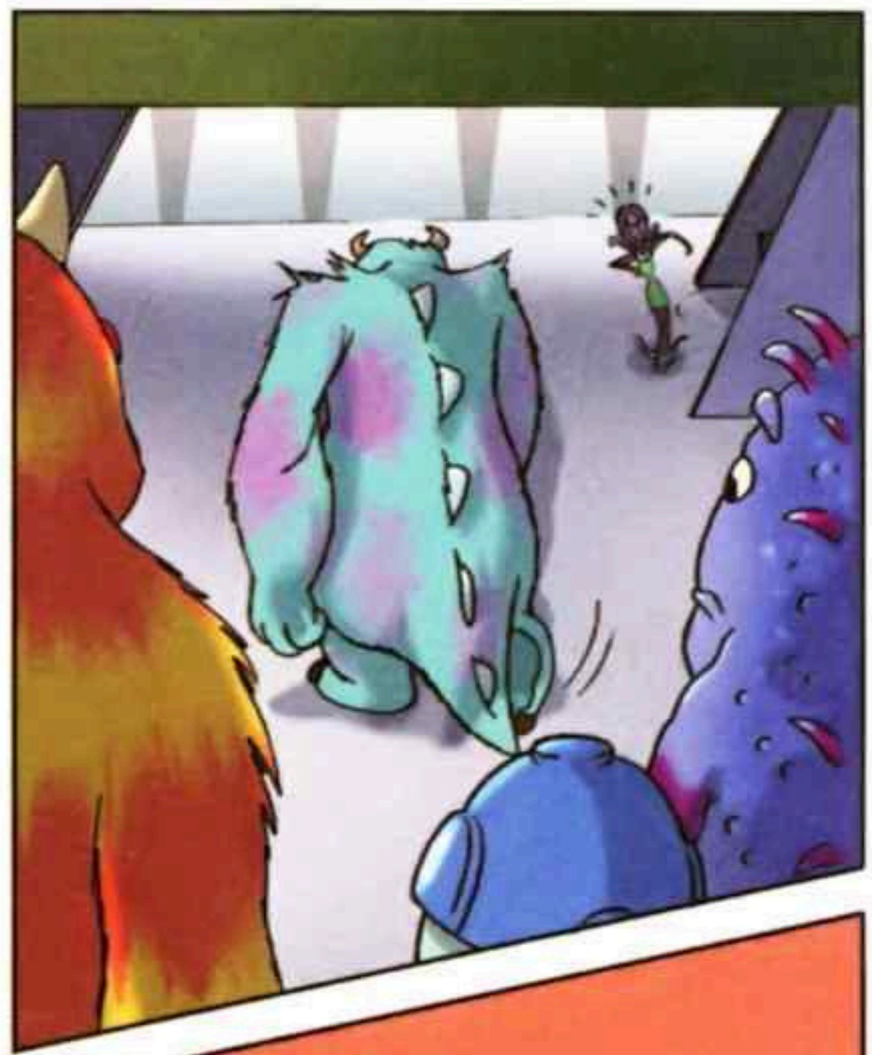

www.filmbuzz.ir

من قبلا صد بار با سازمان
کشف جرم این رو دیده م.
نمیتونی چیزی از پشت اون موله بفهمی.

امیدوارم بتونم
یه نگاهی به
دوربینای اتاق رختکن
بندازم.

اوه.
آره
حتما.

البته.اگه دست
داشته باشم.

به من اعتماد
کن. من میدونم که
این مثل پشت
دست منه.

دست تو...!

همینه!
میدونم کار کی بوده!

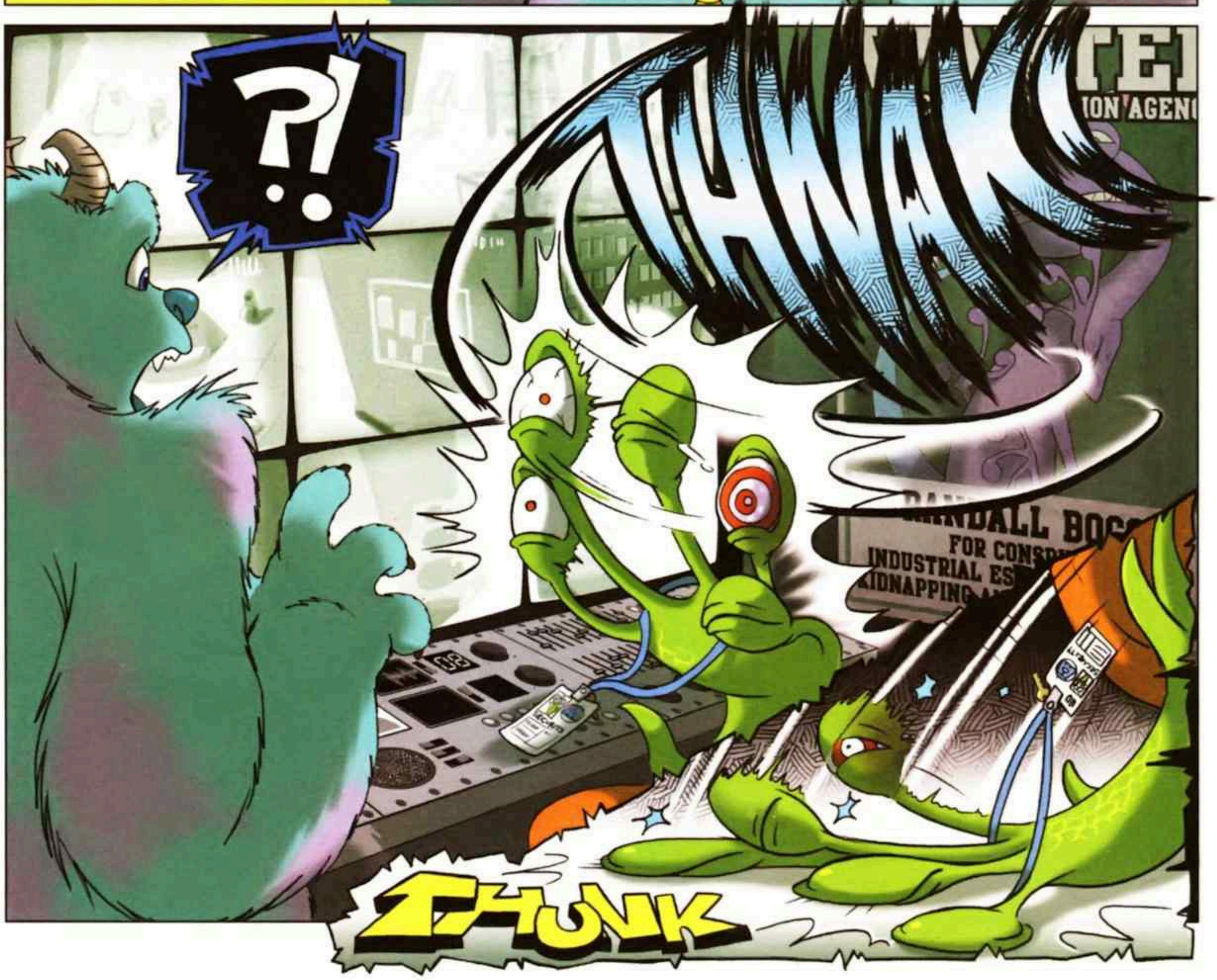

www.filmbuzz.ir

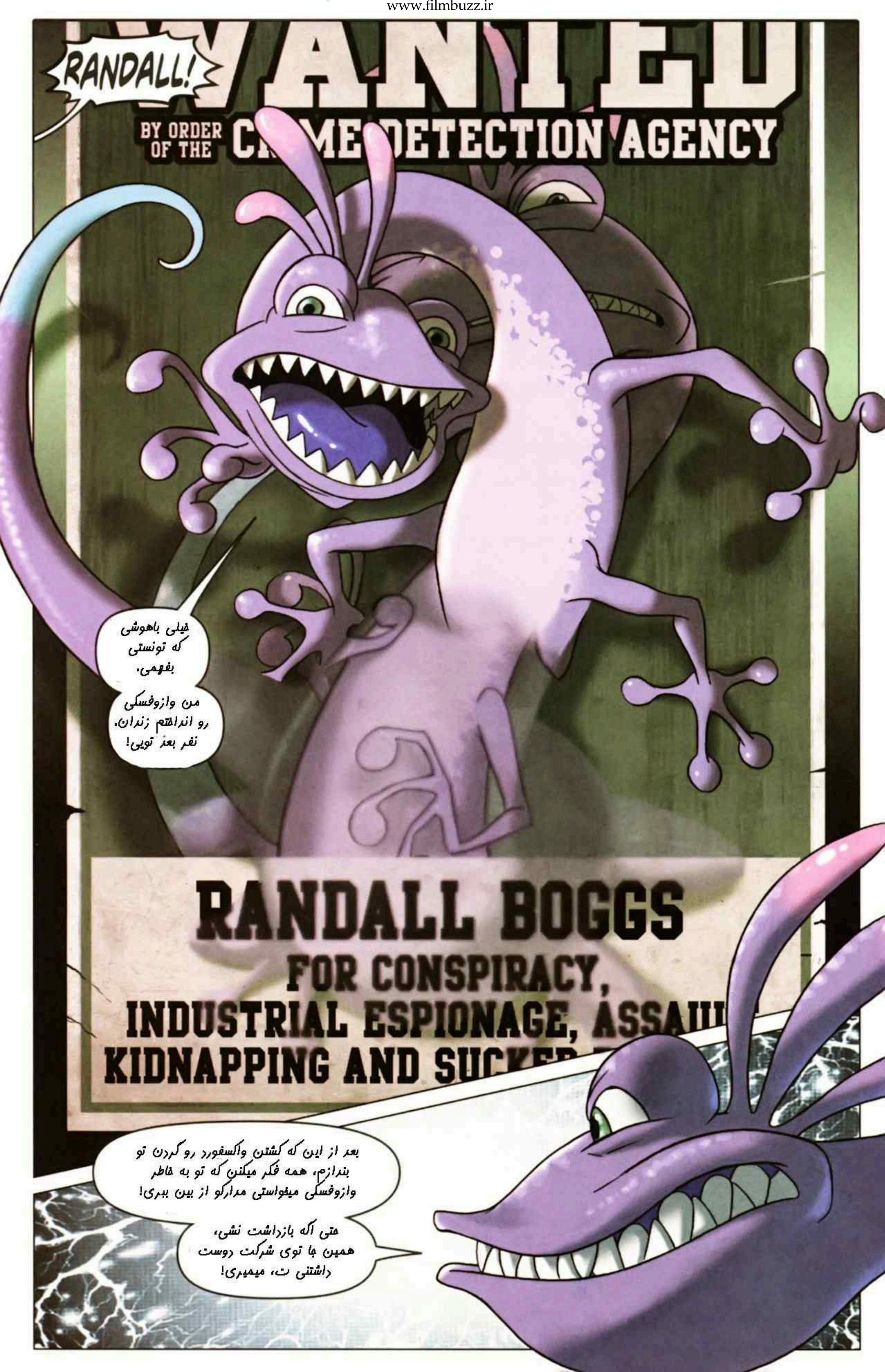

www.filmbuzz.ir

www.filmbuzz.ir

www.filmbuzz.ir

www.filmbuzz.ir

من بهت میگم رز.
من میدونستم مایکی بی گناهه.
باید فیلم دوربین ها
رو ببینی!

این نفر اول
اداره ی امنیت
هست.
واکسفورد خوبه؟

سالیوان.
من اینو دیده م
چی میخوای بگی؟

اینجا! میتونی
ببینی که راندال وسایلو توی
کمد مایک میزاره!

باشه.
ویدیو رو روی
پرده بزرگ نشون
بدید.

اون
درست میگه!

درسته.
من عموی
یه آدم میشم!

www.filmbuzz.ir

و بعد...

بیا کوکوری من!
از چی میترسی؟

ولی... چی میشه اگه
بعضیاشون هنوز فک کنن
من دزدم؟

فک نکنم
همچین مشکلی وجود
داشته باشه!

WELCOME BACK
MIKE

WAHOO,
WELCOME
BACK,
MIKE!

من میدونم که تو
چکار کردی سالی.
تو به سکج زنگ زدی
و اونا منو بردن زندان.

زندان.
خانه‌ی بزرگ.
قفل شده.
روی رودخونه.

ببین،
من واقعا متاسفم.
فقط میخواستم به رز
اطلاع بدم.

من فقط...
امممم...

هی مایک!
آه. خوش اومدی؟

www.filmbuzz.ir

قربونت مایکی!
من قول میدم
دیگه شغلم توی
دوستیمون
تاثیر نداشته باشه.

من میدونم واقعا
چه اتفاقی افتاد. کنده بک!

تو به خاطر من
اونجا بودی.

ببین مایک.
من.--

اما الآن
میدونم که تو
توطئه‌ی راندال رو
خنثی کردی.

به اون احساس
قدرت دادی و
یکدفعه پدرشو
درآوردی!

بزار یه چیزی بگم.
من یه دختربچه ای رو میشناسم
که هردومون یه معذرت خواهی
بهش بدهکاریم.

تو فقط دو ساعت
اون تو بودی.
سعی نکن منو مجبور به
ترفیع کنی.

سالی، من مطمئن نیستم
بتونم باش رو به رو شم.
زندان منو
عوض کرده.

درواقع فک نکنم
بتونم دیگه بچه ها رو
بخندونم...

به هرحال
تلاش خوبی بود.

هر جور حساب
میکنم دیدم ارزش
امتحان کردن داره.

KITTY!

THE END